

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جمهوری اسلامی ایران
دانشگاه تهران

شماره _____
تاریخ _____
پیوست _____

اداره کل تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب ^{فریاد زنگی} متعهد می شوم که مطالب مندرج در این پایان نامه / رساله حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این پژوهش از آنها استفاده شده است ، مطابق مقررات ارجاع و در فهرست منابع و مأخذ ذکر گردیده است. این پایان نامه / رساله قبلاً برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است . در صورت اثبات تخلف (در هر زمان) مدرک تحصیلی صادر شده توسط دانشگاه از اعتبار ساقط خواهد شد .
کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به پردیس / دانشکده / مرکز دانشگاه تهران می باشد .

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء

آدرس : خیابان انقلاب اول خیابان نصر رازی - پلاک ۵ کد پستی : ۱۳۰۴۵/۵۶۸

تلفن : ۶۴۹۷۳۱۴



دانشکده حقوق و علوم سیاسی
گروه آموزشی حقوق عمومی
گواهی دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

هیات داوران پایان نامه کارشناسی ارشد: فرناز فکوری

در رشته : حقوق بشر

با عنوان: ارزش حقوقی آرای کمیته حقوق بشر

را در تاریخ : ۸۹/۶/۲۹

به عدد	به حروف
۱۹،۵	نوزده و ۵

با نمره نهایی :

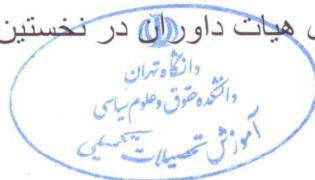
ارزیابی نمود .

عالی

با درجه :

ردیف	مشخصات هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبیه دانشگاهی	دانشگاه یا موسسه	امضاء
۱	استاد راهنما استاد راهنمای دوم (حسب مورد):	دکتر سیدعلی سادات اخوی	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۲	استاد مشاور	دکتر امیرحسین رنجبریان	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۳	استاد داور (یا استاد مشاور دوم)	دکتر خیراله پروین	استادیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	
۴	استاد مدعو				
۵	نماینده کمیته تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی :	دکتر سیدباقر میرعباسی	دانشیار	دانشکده حقوق و علوم سیاسی	

تذکر : این برگه پس از تکمیل هیات داوران در نخستین صفحه پایان نامه درج می گردد .





دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان:

ارزش حقوقی آرای کمیته حقوق بشر

نگارش:

فرناز فکوری

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید علی سادات اخوی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر امیرحسین رنجبریان

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق بشر

شهریور ۱۳۸۹

این مختصر تقدیم به

پیشگاه بلند مادر

سپاسگزاری

سپاس و ستایش خداوندی راست که در سخت‌ترین لحظات زندگی یاور و پشتیبان بندگان خویش است و با اعطای فرصتی برای آموختن بار دیگر محبت بیکران خود را ارزانی این حقیر داشت.

به این ترتیب شایسته است که در نخستین صفحات این پایان‌نامه، از همه کسانی که مرا در به پایان رساندن آن یاری نمودند، قدردانی نمایم. از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر سید علی سادات اخوی که زحمت راهنمایی پایان‌نامه حاضر را بر عهده گرفته و نیز، در طول دوران تحصیل در کارشناسی ارشد چون معلمی دلسوز و مهربان همواره مرا از راهنمایی‌های ارزشمند خویش بهره‌مند نمودند، بی‌نهایت سپاسگزارم. همچنین از استاد ارجمند جناب آقای دکتر امیرحسین رنجبریان که علاوه بر تقبل مسئولیت مشاوره این پایان‌نامه همواره مشوق و یارای اینجانب بودند، تشکر و قدردانی می‌کنم. در همین جا لازم است که از جناب آقای دکتر خیراله پروین که با وجود مشغله زیاد زحمت داوری این پایان‌نامه را تقبل نموده و کاستی‌های آن را به نحو شایسته‌ای یادآوری کردند نیز، سپاسگزاری نمایم. همچنین جا دارد که از کلیه کارمندان مرکز مطالعات حقوق بشر به ویژه سرکار خانم میرزایی تشکر کنم.

در پایان نیز از خانواده عزیزم به خاطر کمک، پشتیبانی، دلگرمی و شکیبایی‌شان بی‌اندازه ممنون و سپاسگزارم. بی‌شک اگر مساعدت‌های همه این عزیزان نبود، این پایان‌نامه هیچ‌گاه شروع و پایانی نمی‌یافت.

چکیده

پروتکل اول منضم به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مبنای صلاحیت کمیته حقوق بشر در رسیدگی به شکایات افراد علیه دولت‌های عضو پروتکل در خصوص نقض حقوق مندرج در میثاق محسوب می‌شود. بر طبق پاراگراف چهارم از ماده پنجم پروتکل، کمیته موظف شده است نتایج رسیدگی خود را در قالب آنچه در این ماده به عنوان Views یا «دیدگاه‌های پایانی» نامیده شده است، به فرد شاکی و دولت خوانده ارائه نماید. با وجود این سند مذکور هیچ اشاره‌ای بر ارزش و جایگاه حقوقی این یافته‌ها و تبعات حاصل از احراز نقض میثاق توسط کمیته ندارد. سوالی که در این ارتباط مطرح می‌شود این است که آیا «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر واجد ماهیت الزام‌آور هستند یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا این «دیدگاه‌ها» برای دولت‌های عضو ایجاد الزام می‌کنند یا این که صرفاً ارزش توصیه‌ای دارند؟ پایان نامه حاضر مسئله فوق را ابتدائاً از جنبه نظری و سپس از جنبه عملی و در رویه دولت‌ها مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: حقوق بشر، نهادهای نظارتی، کمیته حقوق بشر، پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی

و سیاسی، «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر

فهرست مطالب

عنوان..... صفحه

مقدمه..... ۱

بخش اول: ملاحظات مقدماتی در مورد کمیته حقوق بشر

فصل اول: ساز کارهای بین المللی نظارت بر حقوق بشر..... ۸

مبحث اول: ساز کارهای منطقه‌ای..... ۹

مبحث دوم: ساز کارهای بین المللی..... ۱۰

فصل دوم: کمیته حقوق بشر: نهاد ناظر بر میثاق بین المللی حقوق مدنی

و سیاسی..... ۱۳

مبحث اول: اهمیت میثاق حقوق مدنی و سیاسی در سطح بین الملل..... ۱۳

مبحث دوم: صلاحیت‌های کمیته حقوق بشر..... ۱۵

گفتار اول: رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها..... ۱۶

گفتار دوم: رسیدگی به شکایات دولتی..... ۱۷

گفتار سوم: رسیدگی به شکایات فردی..... ۱۷

الف) فرآیند رسیدگی به شکایات فردی..... ۱۸

ب) محتوای «دیدگاه‌های پایانی»..... ۲۱

بخش دوم: ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در تئوری

فصل اول: ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته در نظریات حقوقدانان ... ۲۶

مبحث اول: نظریه مبتنی بر غیر الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته

و دلایل موافقان آن..... ۲۷

۱- استناد به لفظ مورد استفاده در پروتکل (Views) برای نامیدن نتیجه حاصله

از رسیدگی به شکایات فردی ۲۸

۲- استناد به فقدان مقرره‌ای خاص در متن صریح پروتکل مبنی بر الزام آور بودن

«دیدگاه‌های پایانی» ۳۰

۳- استناد به کارهای مقدماتی میثاق و پروتکل ۳۲

۴- عدم تمایل دولت‌ها به ارتقای موقعیت افراد به مرحله تابعین حقوق بین الملل ۳۴

۵- استناد به ماهیت کمیته ۳۵

مبحث دوم: نظریه مبتنی بر الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» کمیته و دلایل

موافقان آن..... ۳۸

۱- الزام آور بودن «دیدگاه‌های پایانی» به عنوان یکی از ضروریات تعهد دولت‌ها

به فراهم آوردن طرق جبران خسارت موثر ۳۹

۲- استناد به رویه کمیته در نگارش «دیدگاه‌های پایانی» ۴۰

۳- استفاده از لفظ صلاحیت توسط کمیته ۴۲

۴- کمیته به عنوان تنها نهاد صالح بین‌المللی در زمینه احراز نقض میثاق ۴۲

۵- پیروی از یک الگوی قضایی در نگارش «دیدگاه‌های پایانی» ۴۳

۶- نقش الزام‌آور بودن تعهدات میثاق در عمل دولت‌ها به «دیدگاه‌های پایانی» ۴۵

فصل دوم: موضع کمیته حقوق بشر در مورد «دیدگاه‌های پایانی» ۴۶

مبحث اول: جایگاه کمیته حقوق بشر ۴۶

مبحث دوم: ارزش «دیدگاه‌های پایانی» ۴۸

بخش سوم: ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته حقوق بشر در رویه دولت‌ها

فصل اول: ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته در اظهارنظر

رسمی دولت‌ها ۵۵

مبحث اول: نروژ ۵۶

مبحث دوم: آمریکا ۵۷

مبحث سوم: استرالیا ۵۸

مبحث چهارم: کانادا ۶۱

مبحث پنجم: نیوزلند ۶۱

فصل دوم: ارزش حقوقی «دیدگاه‌های پایانی» کمیته از منظر آیین پیگیری ۶۳

مبحث اول: ضرورت نظارت بر اجرای «دیدگاه‌های پایانی» کمیته ۶۳

مبحث دوم: آیین پیگیری به عنوان سازکار نظارت بر اجرای «دیدگاه‌های پایانی»

۶۶ کمیته

۶۶ گفتار اول: مبانی حقوقی ایجاد آیین پیگیری

۶۷ گفتار دوم: تاریخچه تاسیس آیین پیگیری

۶۹ گفتار سوم: قابلیت‌های آیین پیگیری

مبحث سوم: میزان پابندی دولت‌ها به «دیدگاه‌های پایانی» از خلال گزارش‌های

۷۰ مربوط به پیگیری

۷۰ گفتار اول: کلیاتی در خصوص گزارش‌های پیگیری کمیته حقوق بشر

گفتار دوم: نتایج حاصل از فعالیت‌های پیگیری کمیته حقوق بشر بر اساس آخرین گزارش

۷۵ ارائه شده این نهاد به مجمع عمومی در سال ۲۰۰۹

نمودار شماره یک: درصد کل «دیدگاه‌های» صادر شده از لحاظ نقض یا عدم نقض

۷۵ میثاق

۷۶ نمودار شماره دو: میزان پاسخ‌های دریافتی و موارد عدم پاسخ

نمودار شماره سه: تفکیک پاسخ‌های دریافتی از سوی دولت‌ها بر اساس نوع

۷۷ پاسخ ارائه شده

نمودار شماره چهار: تفکیک پاسخ‌های رضایت‌بخش و غیر رضایت‌بخش

۷۸ بر اساس دولت‌های طرف دعوا

۷۹ جدول شماره یک

گفتار سوم: دستاوردهای آیین پیگیری از منظر عمل به «دیدگاه‌های» کمیته توسط دولت‌ها ۸۱

فصل سوم: رویه محاکم داخلی کشورها در قبال «دیدگاه‌های پایانی» کمیته

حقوق بشر ۸۲

مبحث اول: جایگاه کمیته حقوق بشر و «دیدگاه‌های پایانی» در منظر محاکم داخلی ۸۴

مبحث دوم: رویه محاکم داخلی در پرونده‌هایی که قربانی در صدد اثر بخشیدن

به «دیدگاه‌های» کمیته برآمده است ۸۶

گفتار اول: ایرلند ۸۷

گفتار دوم: اسپانیا ۸۷

الف) پرونده *Hill and Hill* ۸۸

ب) پرونده *Gómez Vázquez* ۸۹

گفتار سوم: جمهوری چک ۹۰

گفتار چهارم: اسلواکی ۹۰

گفتار پنجم: مجارستان ۹۱

گفتار ششم: لهستان ۹۱

نتیجه‌گیری ۹۴

منابع ۱۰۳

ضمائم ۱۱۶

مقدمه

قواعد جدید حقوق بین‌الملل در خصوص احترام به شأن و کرامت انسانی و ارتقای حقوق بشر حاصل تحولی آرام در دهه ۴۰ میلادی بود و تاثیر آن به سرعت در تمام دنیا گسترده شد. چنین تحولی که پایه‌های آن از قرن‌ها پیش گذاشته شده بود، در کنفرانس ۱۹۴۵ سانفرانسیسکو در خصوص تشکیل سازمان ملل به اوج خود رسید و تفکر غالب در مورد جایگاه فرد و دولت در حقوق بین‌الملل را تغییر داد. فارغ از برخی استثنائاتی که براساس آن افراد می‌توانستند مستقیماً حقوق از دست رفته خویش را از طریق موافقت‌نامه‌های موجود در سطح بین‌الملل بازبندند، تا قبل از سال ۱۹۴۵ احقاق حقوق فرد به گونه‌ای تابع خواست و اراده سیاسی دولت متبوع بود؛ بدین معنا که دولت‌ها با در نظر گرفتن منافع اقتصادی، سیاسی و غیره به نمایندگی از تبعه خود علیه دولت ناقض طرح دعوا می‌نمودند. علاوه بر آن نوع رفتار یک دولت با شهروندان خود نیز، در حیطه امور داخلی کشورها تلقی گردیده و حقوق بین‌الملل عمدتاً فاقد قواعدی برای تنظیم این حوزه بود.

در پایان جنگ جهانی دوم دو اتفاق به طور همزمان موجب تغییر جایگاه افراد در حقوق بین‌الملل گردید: اولین اتفاق مجازات مجرمان جنگی در دادگاه‌های نظامی توکیو و نورمبرگ و دومین آن وجود خواست جامعه جهانی برای جلوگیری از تکرار چنین فجایعی علیه بشریت از طریق ایجاد و توسعه استانداردهای جدیدی برای حمایت از حقوق بشر بود.

در تحولی همزمان افراد نیز، حقوقی را تحت حقوق بین‌الملل به دست آورده و برای حمایت و دفاع از این حقوق خود قادر به بهره‌گیری از پاره‌ای ابزارها گردیدند. علاوه بر درج نگرانی بین‌المللی در خصوص حقوق بشر در منشور سازمان ملل، فهرستی از برخی از این حقوق در اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ گنجانده شد و پس از آن بنا به درخواست مجمع عمومی سازمان ملل از شورای اقتصادی و اجتماعی، کمیسیون حقوق بشر موظف گردید که حقوق مندرج در اعلامیه جهانی را به صورت سند حقوقی لازم‌الاجرائی مدون نماید. شایان ذکر است که حقوق مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر هم شامل حقوق مدنی و سیاسی می‌شد که بنا به تعریف خواهان ایجاد حریم امنی برای افراد در برابر دخالت‌های غیرقانونی و خودسرانه دولت بوده و تکالیف سلبی را بر آنها بار می‌نمود و هم شامل حقوقی می‌شد که از آن به عنوان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یاد شده و عمدتاً نیازمند انجام یکسری اقدامات ایجابی از سوی دولت‌ها برای حمایت از حقوق افراد می‌گردید. انجام مسئولیتی که در زمینه تدوین سند لازم‌الاجرای فوق‌الذکر بر عهده کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل گذاشته شده بود، حدود بیش از یک دهه پس از تدوین اعلامیه جهانی به طول انجامید. دلیل عمده آن نیز تعارض دیدگاه-

های بلوک غرب و شرق در زمینه گنجاندن این حقوق در ضمن یک یا دو سند بنا به تفاوت ماهیتی و سازکارهای اجرایی هریک از این دو دسته از حقوق بود. نهایتاً حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در طی دو سند جداگانه در دسامبر سال ۱۹۶۶ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسید و در سال ۱۹۷۶ بر دولت‌های عضو لازم‌الاجرا گردید.

علاوه بر میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تعداد بسیار زیادی از اسناد حقوق بشری در سطوح منطقه‌ای و جهانی تدوین گردید که هدف همگی آن‌ها حمایت موثرتر از افراد در برابر دولت‌ها بود. در مقطع جهانی، دنیا شاهد تلاش‌هایی برای تدوین کنوانسیون‌هایی در حمایت از حقوق زنان، کودکان، معلولین، کارگران مهاجر و کنوانسیون منع تبعیض نژادی و منع شکنجه بود که هریک در فواصل زمانی مختلف به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده و تکالیفی را در این رابطه بر عهده دولت‌ها قرار می‌دادند. در سطح منطقه‌ای نیز، می‌توان به کنوانسیون اروپایی و آمریکایی حقوق بشر اشاره کرد که فهرستی از حقوق مدنی و سیاسی را در خود جای داده است.

در کنار تدوین اسناد و معاهدات حقوق بشری که از آن به عنوان هنجارسازی و ایجاد استانداردهای حقوقی در سطح جامعه بین‌المللی یاد می‌شود، نکته حائز اهمیت دیگر نحوه حمایت از این حقوق است. پذیرش تعهد بین‌المللی مبنی بر رعایت حقوق افراد مستلزم گذشتن از چارچوبه سنتی مبتنی بر عدم دخالت در امور داخلی کشورهاست. از همین رو حمایت موثر از حقوق افراد نیز، بدون ایجاد سازکارهایی در سطح بین‌المللی برای نظارت بر تعهدات دولت‌ها معنا نمی‌یابد.

در سطوح منطقه‌ای دیوان اروپایی حقوق بشر به عنوان نهاد ناظر بر کنوانسیون اروپایی حقوق بشر صلاحیت دریافت شکایات از جانب افراد در زمینه نقض حقوق مندرج در کنوانسیون را دارد. کمیسیون و دیوان آمریکایی حقوق بشر نیز، هریک در حیطه صلاحیت خود وظیفه نظارت بر تعهدات حقوق بشری دولت‌های عضو کنوانسیون آمریکایی را بر عهده دارند.

معاهدات حقوق بشری تدوین شده در سطح سازمان ملل که در بالا به آن اشاره شد، مهم‌ترین اسنادی هستند که تاکنون در سطح جهانی و در حمایت و ارتقای حقوق اولیه افراد نگاشته شده‌اند. این اسناد هشت‌گانه هریک نهادی را برای نظارت بر حسن اجرای تعهدات دولت‌ها ایجاد نموده‌اند که عمدتاً به نام کمیته خوانده می‌شوند. لازم به ذکر است که از نهادهای مذکور در سطح ملل متحد به عنوان نهادهای مبتنی بر معاهده یاد می‌شود که آن را از سازکارهای مبتنی بر منشور همچون شورای امنیت و مجمع عمومی و غیره متمایز می‌سازد. نهادهای مبتنی بر معاهده در راستای نظارت بر تضمین حقوق افراد توسط دولت‌ها از سوی سند موسس خود دارای اختیارات و وظایفی می‌باشند.

از جمله یکی از اولین نهادهای تاسیس شده بر اساس معاهدات، کمیته حقوق بشر است که به عنوان رکن ناظر بر میثاق حقوق مدنی و سیاسی از سال ۱۹۷۶ شروع به کار نموده و در راستای انجام وظایف خود در پاسداری از تعهدات مندرج در میثاق از پاره‌ای اختیارات و صلاحیت‌ها برخوردار می‌باشد. این وظایف که بین اکثریت نهادهای مبتنی بر معاهده مشابهت دارد، عبارتند از:

۱. رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها در زمینه نحوه اثر بخشیدن به حقوق افراد و سیر

پیشرفت حاصله در این خصوص؛

۲. رسیدگی به شکایت دولت‌ها علیه یکدیگر در زمینه ادعای نقض حقوق مندرج در معاهده

مربوطه؛

۳. رسیدگی به شکایت افراد علیه دولت‌ها در زمینه نقض حقوق مندرج در معاهده مربوطه

توسط دولتی که تحت صلاحیت وی بوده‌اند.

بر اساس ماده ۴۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی دولت‌های عضو این سند موظفند تا در مقاطع زمانی مورد درخواست کمیته این نهاد را از اقداماتی که در جهت بهره‌مندی افراد از این حقوق صورت گرفته است، مطلع نمایند. امر رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای دولت‌ها یکی از فعالیت‌های زمان‌بری است که کمیته به صورت مداوم و در طی سه اجلاس سالانه خود به آن می‌پردازد. در این رابطه کمیته پس از برگزاری جلساتی با حضور نماینده کشور مربوطه ملاحظات نهایی خود را در زمینه آن گزارش به اطلاع دولت مذکور می‌رساند.

در کنار رسیدگی به گزارش‌های دوره‌ای که ابزاری کم و بیش موثر برای نظارت بر تعهدات دولت‌هاست، کمیته حقوق بشر موظف شده است تا به شکایات افراد علیه دولت‌های عضو پروتکل نیز، رسیدگی کند. بر طبق ماده یک پروتکل دولت‌های عضو صلاحیت کمیته را به دریافت و رسیدگی به شکایت افرادی که مدعی هستند در حیطه صلاحیت دولت مربوطه قربانی نقض میثاق گشته‌اند، می‌پذیرند. اعطای حق به افراد به شکایت نزد کمیته حقوق بشر حاصل تحولات و افزایش مطالبات حقوق بشری افراد به واسطه فجایع حاصل از جنگ جهانی دوم بود و موقعیت فرد را تا حد تابعین حقوق بین‌الملل بالا می‌برد.

اگرچه نظام اروپایی حمایت از حقوق بشر در اعطای حق شکایت به افراد در زمینه نقض حقوق مدنی و سیاسی بسیار پیشروتر از نظام جهانی عمل کرده بود، با این وجود اعطای یک چنین حقی صرفاً محدود به افرادی بود که در حیطه تحت صلاحیت دول عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر قربانی نقض قرار گرفته بودند. علاوه بر آن شایان ذکر است که تا قبل از لازم‌الاجرا شدن پروتکل شماره ۱۱ در سال

۱۹۹۸ افراد قادر نبودند تا به صورت مستقیم به دیوان اروپایی حقوق بشر طرح شکایت کنند و ارجاع شکایات به این نهاد تا حد زیادی به صلاح‌دید کمیسیون اروپایی حقوق بشر بستگی داشت.

در سازکار پروتکل اختیاری میثاق حقوق مدنی و سیاسی افراد برای اولین بار در سطح جهانی این امکان را یافتند تا در ارتباط با نقض کلیه حقوق مندرج در این سند مستقیماً به نهاد ناظر بر آن یعنی کمیته حقوق بشر شکایت نمایند. چنین امری بدین معنا بود که مرجعی بی‌طرف در سطح بین‌المللی که اعضای آن را عده‌ای افراد کارشناس در زمینه مسایل حقوق بشری تشکیل داده بودند، قادر بود تا اجرای تعهدات دول عضو را به صورت عملی و از راه رسیدگی به دعاوی ناشی از نقض میثاق مورد ارزیابی قرار دهد.

از زمان آغاز به کار کمیته حقوق بشر تاکنون بیش از سی سال گذشته است. در طی این مدت، کمیته به تعداد بالغ بر ۱۰۰۰ شکایت فردی از کشورهای مختلف جهان رسیدگی کرده است. این نهاد بر طبق پروتکل موظف است تا پس از رسیدگی به کلیه اظهارات کتبی طرفین دعوا به انشای یافته خود در ماهیت دعوا پردازد و طرفین را از نتیجه رسیدگی مطلع نماید. شایان ذکر است که در پاراگراف چهار ماده پنج پروتکل از یافته‌های کمیته در پایان رسیدگی به شکایات فردی به عنوان Views نام برده شده است. این امر در حالیست که سند تاسیس مراجعی همچون دیوان اروپایی یا آمریکایی حقوق بشر از نتیجه رسیدگی نهادهای مذکور در شکایات فردی به عنوان Judgment یاد کرده‌اند. همین موضوع باعث شده است که همواره بین دولت‌ها و نیز حقوق‌دانان مختلف بر سر ماهیت این دسته از یافته‌های کمیته اختلاف نظر وجود داشته باشد. گروهی بر این باورند که این دسته از تصمیمات برای دولت‌ها ارزش الزام‌آور نداشته و تکلیفی به رعایت آن نیز، وجود ندارد. برعکس گروهی دیگر بر این اعتقادند که ارزش حقوقی این یافته‌ها از حد توصیه فراتر است و دولت‌های عضو پروتکل را ملزم به رعایت آن می‌دانند.

الف) اهمیت موضوع

گرچه فرآیند تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی بنا به اختلاف نظرهای موجود میان دو بلوک شرق و غرب مدت زمان زیادی به طول انجامید، با این وجود مذاکره بر سر محتوا و دامنه حقوق مورد حمایت این سند زودتر از همتای منطقه‌ای آن یعنی کنوانسیون اروپایی حقوق بشر شروع شده بود؛ به طوری‌که تدوین‌کنندگان سند اخیرالذکر از برخی جهات از مباحثات انجام گرفته جهت تدوین میثاق حقوق مدنی و سیاسی الهام گرفته بودند. تصویب میثاق و پروتکل در سال ۱۹۶۶ موجب به تحقق پیوستن

آرمان بشریت در خصوص تدوین سندی جامع و فراگیر بود که همه افراد در همه کشورها و از قاره‌های مختلف قادر به بهره‌گیری از حمایت‌های موجود در آن بوده و در صورت امکان با طرح شکایت در مرجع نظارتی مربوطه مستقیماً حقوق خود را به مرحله اجرا در آورند. مقدمه پروتکل اول نیز، هدف از تدوین این سند را دستیابی بیشتر به اهداف میثاق عنوان نموده است. از همین رو انتظار بر این است که غایت طرح شکایات فردی نزد کمیته هرچه بیشتر متعهد نمودن دولت‌های عضو میثاق به انجام تکالیف مندرج در این سند و احقاق حقوق پایمال شده قربانیان باشد. بنابراین تردید حقوقدانان و دولت‌های عضو در زمینه ماهیت تصمیمات صادره بر طبق آیین پروتکل موجب بلا تکلیفی افراد در صحنه بین‌المللی و عدم اعتماد به ساز کارهای نظارتی حقوق بشری خواهد شد.

ب) سؤالات اصلی و فرعی پژوهش

سؤال اصلی: موقعیت و جایگاه حقوقی یافته‌های کمیته که در قالب Views ارائه می‌شود چیست؟ به عبارت دیگر آیا این یافته‌ها برای دولت‌ها دارای ارزش الزام‌آور است؟

سؤالات فرعی:

۱. چنانچه یافته‌های کمیته در ماهیت شکایات فردی به لحاظ حقوقی الزام‌آور نباشد، آیا دولت‌های عضو تکلیفی به عمل به آن دارند؟
۲. چنانچه دولتی به این یافته‌ها عمل نکند آیا می‌توان به ضمانت اجرایی توسل جست؟
۳. چه عواملی بر تبعیت دولت‌ها از یافته‌های کمیته در شکایات فردی تاثیر گذارند؟

ج) پیشینه پژوهش

از زمان آغاز به کار کمیته حقوق بشر در سال ۱۹۷۶ تاکنون، این نهاد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان بین‌المللی در عرصه حقوق بشر را به خود جلب نموده است؛ به طوریکه مقاله‌ها و کتب زیادی در شرح سند موسس آن یعنی میثاق حقوق مدنی و سیاسی و وظایف و مسئولیت‌های مختلف کمیته حقوق بشر نگاشته شده که اکثر آن به زبان انگلیسی و فرانسه است. برخی از کتبی که در ارتباط با نظام‌های حمایتی حقوق بشر به زبان فارسی نوشته شده‌اند، به صورت کلی به کمیته حقوق بشر نیز، اشاره‌ای می‌نمایند. با این وجود تاکنون کتاب یا رساله‌ای که منحصر به کمیته و ارزش یافته‌های وی در ماهیت شکایات فردی مرتبط باشد، به رشته تحریر در نیامده است. تنها یک مورد رساله با عنوان «تاثیر یافته‌های نهادهای مبتنی بر معاهده ملل متحد بر محاکم ملی و بین‌المللی» نگاشته شده است که به موضوع میزان

تأثیرپذیری محاکم داخلی کشورهای عضو و محاکم بین‌المللی از اسناد مختلف صادره از سوی کمیته-های نظارتی می‌پردازد. شایان ذکر است که در رساله فوق‌الذکر یافته‌های نهادهای مبتنی بر معاهده شامل کلیه اسناد از قبیل تفاسیر عمومی، ملاحظات نهایی و یافته‌هایی می‌شود که در پایان شکایات فردی تدوین می‌گردند. با توجه به فهرست مطالب مذکور در رساله حاضر رویه محاکم داخلی کشورهای عضو در اثر بخشیدن به یافته‌های کمیته حقوق بشر در ماهیت شکایات فردی تنها بخش بسیار کوچکی از مطالب را تشکیل خواهد داد.

(د) روش پژوهش

روش به کار رفته در رساله حاضر در مرحله اول روش کتابخانه‌ای است. به طوریکه با استفاده از منابع موجود در کتابخانه‌ها در موضوع میثاق و پروتکل و کمیته حقوق بشر سعی بر جمع‌آوری مطالب مورد نیاز گردیده است. در کنار منابع کتابخانه‌ای استفاده از منابع اینترنتی و مراجعه به وب سایت کمیساریای عالی حقوق بشر و نیز مراجع منطقه‌ای همچون دیوان اروپایی و آمریکایی حقوق بشر نیز، اجتناب‌ناپذیر بوده است. در مرحله آخر پس از گردآوری مطالب مورد نیاز نگارنده در صدد تجزیه و تحلیل اطلاعاتی برآمده است که از روش‌های فوق به دست آمده بودند.

(ه) ساختار پژوهش

مطالب موجود در رساله حاضر در طی سه بخش ارائه می‌شود. در بخش اول به بیان کلیاتی در زمینه مراجع نظارتی حقوق بشری و صلاحیت‌های کمیته حقوق بشر و نیز فرآیند صدور تصمیم نهایی کمیته در شکایت فردی می‌پردازیم. در بخش دوم رساله به بررسی ارزش حقوقی این یافته‌ها در نظریات حقوقدانان پرداخته و پس از آن موضع کمیته حقوق بشر در قبال یافته‌هایی که در ماهیت شکایت فردی اتخاذ می‌کند، بیان می‌شود. بخش سوم نیز به ارزش حقوقی یافته‌های کمیته در رویه دولت‌ها اختصاص دارد که در طی آن تلاش می‌شود موضع دولت‌ها در اظهاریه‌ها و بیانیه‌های رسمی و در عرصه عمل به این یافته‌ها در قالب آیین پیگیری به دست آید و موضع محاکم داخلی کشورهای عضو در این زمینه مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

بخش اول
ملاحظات مقدماتی
در مورد
کمیته حقوق بشر

فصل اول: سازکارهای بین‌المللی نظارت بر حقوق بشر

این واقعیت همیشه وجود دارد که مسئله‌ای خاص اغلب هنگامی مورد توجه بین‌المللی قرار می‌گیرد که حادثه‌ای تکان‌دهنده وجدان جامعه جهانی را جریحه‌دار سازد. قتل سامان مند میلیون‌ها انسان در اثر جنایت‌های آلمان نازی در کل اروپا در زمان جنگ جهانی دوم، موجب شکل‌گیری این اعتقاد شد که حمایت مؤثر بین‌المللی از حقوق اساسی بشر یکی از شروط اصلی تحقق صلح و امنیت در جهان است.^۱ بند ۳ ماده ۱ منشور ملل متحد «حصول همکاری‌های بین‌المللی ... در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب» را در زمره مقاصد این سازمان قرار داده است.^۲

در راستای تحقق این اهداف وظیفه تهیه پیش‌نویسی از حقوق بشر بر عهده کمیسیون حقوق بشر به عنوان یکی از ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی گذاشته شد و متن نهایی در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ با ۴۸ رای مثبت و ۸ رای ممتنع به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. بدین ترتیب برای اولین بار در تاریخ حیات بشریت اعلامیه‌ای در سطح جهانی تهیه شد که بر شأن ذاتی و حقوق برابر و جدایی‌ناپذیر همه افراد تأکید می‌ورزید. حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر با تدوین دو میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۶۶، از لحاظ حقوقی مبنای الزام‌آور یافت. سه سند مذکور در بالا همان چیزی است که امروزه به عنوان لایحه بین‌المللی حقوق بشر^۳ از آن یاد می‌شود.^۴

پس از تدوین لایحه بین‌المللی حقوق بشر و با پدید آمدن موضوعات گوناگون در سطح بین‌الملل و ضرورت توجه خاص به این مسائل، تاکنون تعداد زیادی معاهدات و نیز اسناد غیرالزام‌آور به

^۱ فریده شایگان و دیگران، *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر*، تهران، دانشگاه تهران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی، چاپ اول، زمستان ۱۳۸۲، ص ۱۶.

^۲ ملل متحد همچنین در ماده ۵۵ منشور متعهد به تشویق، بالا بردن سطح زندگی، فراهم کردن کار برای همه و تأمین شرایط توسعه و احترام جهانی و مؤثر به حقوق بشر شده‌اند و در ماده ۵۶ همه اعضای متعهد شده‌اند برای نیل به مقاصد اشاره شده به طور فردی و جمعی با یکدیگر همکاری کنند.

^۳ The International Bill of Human Rights

^۴ برای مطالعه بیشتر در زمینه سیر تدوین لایحه بین‌المللی حقوق بشر نگاه کنید به:

Burns H. Weston, "Human Rights", *Human Rights Quarterly*, Vol.6, 1984, pp.271-276; ChristianTomuschat, *Human Rights between Idealism and Realism*, 2nd edition, New York, Oxford University Press, 2008, pp.22-24 and 30-33; Rhona K. M. Smith, *Textbook on International Human Rights*, 3rd edition, New York, Oxford University Press, 2007, pp.35-47.